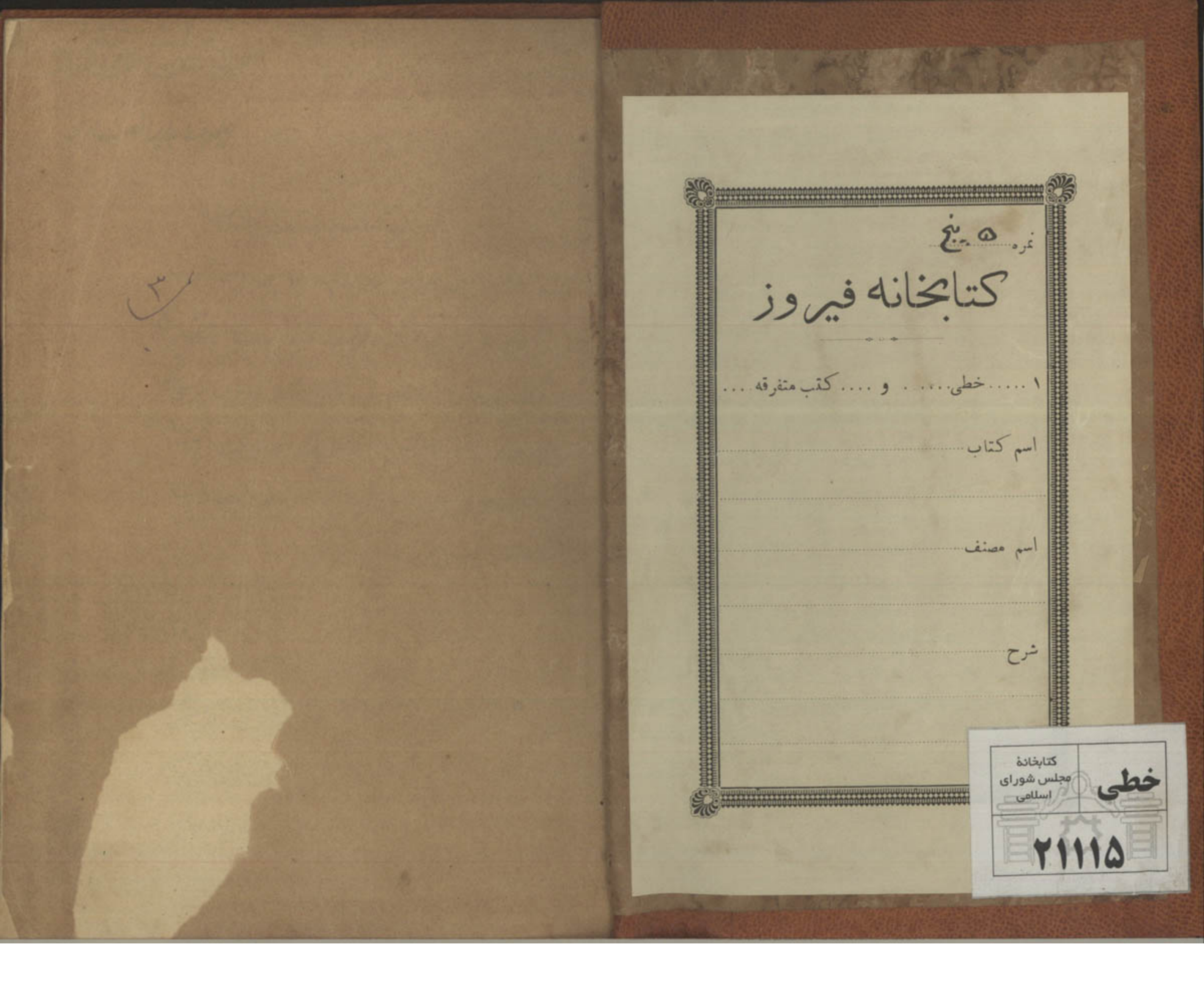

خطی
کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
۲۱۱۱۵


نمره ۵ پنج

کتابخانه فیروز

۱ ..... خطی ..... و .... کتب متفرقه ...

اسم کتاب ....

اسم مصنف ....

شرح ....

این کتاب بهترین کتابهاست

که از انگلیسی بفرانسه و از فرانسه بفارسی ترجمه شده است

دایر بر تشریح ملت و دولت قدیم ایران و مختصر تاریخ

کهنه پارسیان و عیوب حالیه شان و بیان وضع ملتی

دولتی امروزه است و طریقه اصلاح ملت و دولت را

به برهان بیان کرده یکصد خطابه است

معادل چهار جزو میشود



زاهد از کوچه رندان بسلامت بگذر

تا خرابت نکند صحبت بدنامی چند

صورت کنوپاست

که شاهزاده هندوستان کمال الدوله بشاهزاده ایران جلال الدوله نوشته است

چون درین مکتوب

پاره الفاظ فرانسوی مندرج شده که اغلب اهالی ایران از آن زبان بی اطلاع اند

لهذا محض ازدیاد بصیرت قبل از شروع بطبع مکتوب به ترجمه و تفسیر آن الفاظ

پرداخت هر کس بقدر حصه خود بهره ور شود

دسپوت آن ستمکار پادشاهی را گویند که در حکمرانی خویش ابدا

قاعده و قانون و آئین و کیش ندارد هوای نفس و میل خاطر را شریک و شار

رکوار نابکاری و میزان سلطنت حکمرانی خود قرار دهد یفعل ما یشاء

و یحکم ما یرید بدبخت رعیتی که پایمال تعدی او شود اختیار کبریائی

ما و در حفظ ناموس و عیال خویش را ندارند از تمام حقوق بشریت

محروم و در حال ذلت اسارت و حقارت بهر ظلمی مظلوم شوند

فاناتیک آن متدین جاهل متعصبی است که با اینکه قوه ممیزه خیر و شر

محکمه تمیز این خوب و بد در دماغش نیست خود را اعلم اهل عالم و برگزیده

بنی آدم پندارد و بر مخالف رأی و عقیده خویش هر نوع تعدی و دست درازی

از قتل و غارت و نهب و هتک عرض و ناموس روا دارد و ثواب انگارد

و هر کس مراقب مذهب و مطابق عقیده او نباشد کافرش داند اگرچه پیغمبر

آخر الزمان باشد

سیویلیزاسیون تعبیر از تربیت یافتن ملتی است از بیابانهای هولناک

و جنگلی و طبایع وحشی بهیمانه که در آنجا بودند و وارد شدن ایشان

بمدینه طیبه مدنیت و بعصر قرین آدمیت و تحصیل ایشان علوم مفیده بکمال

زندگانی را و تکمیل صنایع و ترقی امور معیشت و تهذیب اخلاق انسانیت

و مدارک نورانیه وجدانی را

فیلسوف   کسی است که علوم عقلیه را دارا   سبب اشیاء را مطابق واقع دانا
آیات کتاب طبیعت را خواند   بتر هر شیء پی برد   به برهان و منطق در هر حکم
که با باشد   و رمل و جفر و دیو و پری و سحر و معجزه و کرامات
و خارق عادات را معهدت دانند   و شکر و کفر و صراط و دوزخ
و ملک و فلک را از تهمات انگارد   و معراج و خواب و تقالدات
و تطیرات را وهمی انگارد   و دف نه شمارد   هر کس برخلاف منطق
سخنی گوید او را نادان   و هر که مخالف عقل چیزی باور نماید او را مجنون
خواند   و حکیمان فیلسوف را بسیار بزرگ شمارند   و از تمام طبقات
مردم محترمترش دارند

رِوُولوسیون   عبارت از آن است که مردم از شر رفتار ناهنجار پادشاهی
خونخوار و ستمکار به جان   و از دست عمال ظلم و حکام جور   و کشمکشهای نظام
و قانون آن دولت به جان آیند   یک جهت ملی و غیرت وطنی
هیجان نمایند   و به اتفاق آن ستمکار را از میان بردارند   و بجهت
آسایش

آسایش و سعادت خویش قانون عدل را در مملکت خود وضع کنند
یا چو یک فیلسوف دانا   قوه‌های حقه ادراک یک ملتی را از خواب غفلت
بیدار و از مستی نادانی و جهالت هشیار شود   و سر از بارهای گران عقاید پوچ
برتابند   و پهلو از بارهای قیدهای نادان و پاپاهای کهن کلف چون
تهی کنند   و به دستیاری حکمت دانا اساس عقاید و مذهب خویش را بر
شالوده محکم حقانیت   و بنای متین وجدان و انسانیت گذارند   و شرعی ساده
و مذهبی راست که تهذیب اخلاق و تعدیل حقوق و تکمیل دایره انسانیت
و مدارک آدمیت در او باشد برقرار نمایند

لیتراتور   تصنیفات و تألیفات است خواه نظم خواه نثر

پوئزی   نثر ناپا است که تشریح حال شخص یا احوال یک ملت را
نماید   و آن کیفیات طبیعی را که هر کس قدرت بیان او را ندارد
نظم بقسمی مؤثر بگفتن دارد که خوانندگان تمام دارایش را حرف بحرف
آن حالت کیفیت را معاینه شاهد کنند   و بکلی تاثیر تاثر شود

پاتریوت آن جوانمردی است که برای ترقی ملت و تمدن مملکت خود
از فرط حب وطن پرستی از بذل مال و جان و هستی خویش مضایقه نکند
و خودداری نتواند

این شرف بزرگ مخصوص غیرتمندان عالم و سادات بنی آدم است که گوی
سبقت از همگنان ربایند و بر جان و مال اهل جهان لیاقت پادشاهی دارند
از آن جمله پیغمبر آخر الزمان بود که برای سعادت ملت عرب و عشیره قریش
آن همه شأن و شرف افزود و بقای اسم عرب بر ایشان منت نهاد
و آن قوم گمنام را شهره آفاق فرمود

شانژمان تغییرات کلیه در یک ملت و حادثات واقعه در یک مملکت
یا اتفاقات عجیبه عالم و حوادث غریب در بنی آدم است مثل زوال سلطنت
رومیان و طوفان نوح در یک سمت از جهان و آشوب چنگیزیان

پولتیک مطالب و مقاصدی است که در حرف و صحبح دولت و مملکتی بکار رود
و با امور سیاسی راجع شود

پروتستان مذهب جدیدی است که در عصر قبل در فرنگستان بروز کرد
درین مذهب طاعات و عبادات که حق الله است معفو و مغفور است و هر کس
در اجرای آن مختارند و رعایت حقوق مردم فریضه ذمت و واجب است
و کل مردم بالسویه بآن مکلف اند

اول بروز این مشرب در مسلمانان از حسن علی ذکره السلام اسماعیلیه شد
چنان که می گویند برداشت غل شرع بتائید ایزدی از گردن
امام علی ذکره السلام

مانند این مشرب و مذهب در فرنگستان مشهور و شایع است و اعتقاد فیلسوفان
فرنگ این است که ترویج این مذهب علت فرنگ از تمام طبقات مردم
عاقل بیشتر حرمت کرده اند زیرا که عقاید فاسده یک ملتی را اراده برابر حکومت
ظالمه خراب می کنند و بر عکس بر عکس

لیبر آزاده مردی است که در افکار و خیالات خود کلی آزاد است نه از
عقاب وهمی دوزخ در بیم است نه از ثواب موهوم بهشت در امید سخن را

که با میزان عقل راست نیاید و با قواعد منطق مطابق نباشد حرف مفت انگارد اگرچه به پیغمبری نسبت دهند یا از حکیمی روایت کنند در هر کاری نپسندد یا در فروع دانی سرایش قلندری و نهیش عقل پروری و مسلکش عدل گستری و همتش یا صرف تکمیل سلطنت است عادلانه یا تأسیس تربیت تمدن در ملتی است کامله در غرورش سستی نباشد در همتش پستی نگنجد در کردارش جز درستی در گفتارش بغیر از راستی نیاید

پنجم مصنفی است فیلسوف که بی ترس و بیم تمام افکار صحیح کار و اصلاح مدار یک مملکت را بنویسد و شرح و جهات دلیل و نهایت از نشر خیالات حکیمانه و ابراز افکار فیلسوفانه خویش بدون واهمه از ملتی جاهل یا دولتی غیر عادل مضایقه ننماید

این گونه مردم را در فرنگ توقیر بسیار کنند و تعظیم بی نهایت نمایند

ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء

شارلاتان گندم نمائیست جو فروش در زیر سیرت دور آسمان گردش خود بیند

خود پسندیست ریاکار دروغگوئیست غدار لاف زنیست مکار ادعا کند چیزی را که نداند و اظهار کند آنچه را که ندارد

پارلمانت

اگرچه من از تقریر این مجلس بزرگ و انجمن سترگ که هزار سال است بآرای عقول کامله حکیمان دانا و فیلسوفان آگاه تکمیل یافته عاجزم و زیاده از هزار کتاب در تأسیس این اساس اعظم در فرنگ انشا شده و بیشتر از یک کرور جان گرامی از برای بنیاد نهادن این دستگاه انجام فدا و اهدا کردند که نه قلم را قدرت بیان آثار این انجمن است و نه ادراک را قوت نگارش و تحمل این مجمع نور و محفل دانش و جبروت است اما چه چاره بقدر فهم مستمع اشاره باید کرد

پارلمانت عبارت از دو مجمع است که در یکی وکلای منتخبه ملت که سرآمد اهالی و جواهر تمدنی مملکت انجمن میشوند و در دیگری وجوه و اکابر و رجال دولت جمع می کنند این پارلمانت

عبارت از این مجلس بزرگ است که از بیحد و دسته دانشمند آراسته شده
و پیوسته گردیده

در مجلس اول بمشورت و مصلحت و صواب دید وکلای ملت قانونی
طرح و مذاکره میشود که منافع عامه ملت و مصالح عمومی رعیت و دولت
مشترکه مملکت در او باشد

بعد از ترتیب و انتخاب آن قانون که در او نیز شرایط بسیار باید
منظور شود صورت آن قانون را بمجلس دوم عرضه میدارند

مجلس دوم که رجال دولت و وکلای سلطنتند مصالح و منافع مملکتی را
با فواید عمومی ملتی و دولتی هرگاه تطبیق دیدند امضا نهاده آن قانون را
بحضور امپراطور یا رئیس جمهور اظهار و اجرای او را باداره مجلس
و دوائر عسکریه ابلاغ و اشعار نمایند

در صورتیکه پاره نکات پولتیکی یا فواید دولتی در آن قانون فوت شده
آراء خویش را اظهار کرده از مجلس اول تجدید تطبیق نمایند

امپراطور

امپراطور در سلطنتهای مطلقه حق اجرای قانون را دارد نه حق صدور
و تغییر در سلطنتهای جمهوری رای رئیس جمهور قائم مقام دو رای است
و بس و اجرای قانون بر عهده اداره عسکریه است

و در واقع امپراطور نوکر بزرگ دولت و خادم اعظم ملت است که از جانب
در خور معاش از خزینه دولت باو میدهند و شخصا محترمش میدارند

گمان ندارم

اهالی شرق که پادشاه را بسه آسانی میدهند و ظل الله میخوانند تصور
این قسم پادشاهی و تحمل این طور حکمرانی را نمایند که با کمال اقتدار
از قرار داد قانون یک ذره انحراف نتواند و با نهایت اختیار
در زنجیر ذاکون و قید قانون پایدار و همواره همعنان اجبار

پطرارق و دلتو و دارون

از فیلسوفان نامی فرنگستان بوده اند و هر کدامی بمسلکی مخصوص و طرزی
بخصوص خدمتی بزرگ بدولت و ملت فرنگ کرده اند و نام گرامی خود را

بدانش در صفحه آزمایش ثبت نموده‌اند باختصاص دلتون که بقوت

پرواز ریشه اندیشه باطل و بیخ افکار جاهلانه پاپازان را از زمین

دلهای ساده و دماغهای مردان آزاده برکنده و تصنیفات و بیانات

او قطر فرنگ را پر کرده

شیمی که کیمی باشد

عبارت از فهمیدن خواص و طبایع اشیاء و ذرات و تحلیل و تجزیه

مرکبات است به بسائط و عناصر

امروزه اساس زندگانی تمام عالم بسته باین علم است و در تمام لوازم حیات

و زندگانی نور و ظهور این علم پیدا است و فرنگیان در فنون این

علم افزون از حد و عدد کتاب نوشته‌اند و این علم را بقدر قوه

بکمال خود رسانیده و خواهند رسانید و در سایه این علم تمام صنایع عالم

ترقی خواهد کرد

حمد خدا را که این علم باین بزرگی و عظمت بدرجه در ایران تا حال مجهول

الاحوال

الاحوال بوده که از عصر مأمون که این علم بطور اجمال از یونانی بعربی ترجمه شده

تاکنون بر اهمال خود باقی بوده و در سایه اسم این علم که کیمیا باشد

بیچاره هندیها و ایرانیها برای تحصیل علم کیمیا مبلغها نقره و طلا و زیبق

و شنجرف و سرب و مس را به بادکوره داده‌اند و دود هفت رنگ

بر آسمان مینا رنگ فرستادند و در آخر با چشمی کور از دود زیبق

و دستی خالی از طلا و نقره و شکلی کرک و دق با دلی پر حسرت از پی

تحصیل علم کیمیا و ریشه ثروت بگور رفتند

تمام این افتضاحات ناشی از عجمی است که عربی نخوانده و نادان از اینست

که اصطلاحات زبان تازیان و یونانیان را نداند

والّا هرگاه یک کتاب شیمی یونانیان یا فرنگیان بفارسی ترجمه شده بود

و ایرانیان و هندیان میخواندند دیگر در این جهالت و نادانی حیرت

و سرگردانی که مس طلا و سرب نقره بشود نمیماندند و میدانستند که

این فلزات در بدو پاره شدن از آفتاب کره زمین با آتش مرکزی منعقد شده‌اند

و اغلب عناصر و بسیطند از نقطی دیگر ترکیب نیابند و بنقطی دیگر
تحلیل نشوند

صورت

یک صد خطابه است که کمال الدوله هندوستانی در تشریح و تفصیل
ملت و دولت ایران بشاهزاده جلال الدوله نوشته است

خطابه اول

دوست عزیز من جلال الدوله عاقبت سخن ترا شنیدم و در سیاحت
از فرنگستان از سمت تبریز وارد این خاک غمناک هولناک ایران شدم
ای کاش نیامده بودم و هموطنان قدیم و خویشان کهن و وطن
اصلی پر بلا و محن خود را ندیده بودم و از احوال و اخلاق و عادات
و روش و مذهب و کیش و مشرب ایرانیان مطلع نمی شدم دلم از خون دل کباب
و جگرم آب شد
ای ایران اگر چه تاریخ بزرگی و جلالت و شوکت و عظمت تو
را

بدست عربان سوخت و در زیر سم تازیان پامال شد بقسمی که
یک ورق تاریخ صحیح از دو هزار سال قبل از این ایران در دست ما
باقی نماند اما ستون تواریخ یونان و مصریان و اوراق آثار
عتیقه تخت جمشید و طاق بستان بما نشان میدهد که شوکت
دولت ایران و تمدن ملت پارسیان و آبادی ممالک ایران
بچه پایه و مایه و بچه درجه و اندازه بوده
تصویر سه هزار سال قبل بر کوه بیستون کرمانشاهان برای ما زبان فصیح
و بیان می کند که دایره حکمرانی پادشاهان ایران بچه وسعت بوده
که داریوش هشت پادشاه بزرگ عالم را حلقه عبودیت در گوش
کرده و پا بر دوش نهی که پادشاه یونان است نهاده بزرگی
جلالت را تماشا کن
اشکال و تصاویر تخت جمشید برای گواهی میدهد که طنطنه سلطنت
و دبدبه جلالت و بدایع صنعت و ظرایف حرفت و فنون معماری

و نشان نقاشی و حجاری و علم مهندسی و طرز بنّاکاری ایران به چه درجه
ترقی و به چه پایه تمدن بوده و در آن عصر
صورت سرباز و ترکیبی و ترکیب زرگری و پارچه و وضع لباس و طرز
مبل و طرز زندگانی شهادت میدهد که بعینه بشرت و نظام
و ترتیب و تربیت ملت پارسی کارهایی می‌کرده‌اند و شره و پانطالون
که از آثار ملت متمدن حالیه فرنگ است در چهار هزار سال قبل ایرانیان
می‌پوشیده‌اند و آرابه که نتیجه علوم و فنون حال اروپ است در پنج هزار
سال قبل در ایران استعمال می‌کرده‌اند
خلاصه در و دیوار خرابه ایران و رسم و آثار عتیقه این ویران به تمدن ملت پارسی
و آبادی مملکت خودشان ایران دلیلیست برهان آثار پدیدست
صنادید عجم را
دیگری از گواهان تمدن قدیم پارسیان زبان شیرین بیان ایشان است
زیرا که زبان هر ملت کاشف از درجه علم و پایه حکمت و هستی حالت
دیگر

این کتاب
در پلتیک و سیاسی ایران نوشته شده معادل ۲۰ جزو
می‌شود

پولتیک ایران چیست کشتی دولت کجا میرود درین دریای
حوادث از برای ما خطری هست یا نه اگر هست تدارک ما
چیست طرح ما کدام است دشمن ما کیست دوست ما کجاست
از چه راه باید رفت از چه ورطه باید گریخت در چه کار هستیم
چه باید کرد

هنوز در این عصر هیچ یک از بزرگان ایران مانند این سؤالات را
تصریح کرده‌اند و نه این سائر را بصیرت کافی داشته‌اند
کشتی دولت بدون نقشه بدون تعیین مقصود در دریای
پولتیک حیران و سرگردان است

گاهی بجهت در مقابل بادهای مخالف جنگیده‌ایم گاهی
بسبب راه رفته را برگشته‌ایم گاهی بتضییع دولت کوشیده‌ایم
گاهی بتقویت دشمن برخاسته و پس از صدمات و خطهای بسیار
اختیار

اختیار کشتی را با امواج اطراف گذاشته‌ایم هنوز هم نمیدانیم مسلک ما
چیست و مقصد ما کجاست حال کشتی دولت درین دریای
پرخطر بتحریک بادهای مخالف و در قرب دشمنان بی باک بر اطراف
ورطه‌های هایل بی اختیار دور میزند و اهل کشتی در آسودگی غفلت
مقدمات طوفان را نسیم شرطه سعادت می پندارند

چیزیکه فی الجمله مایه امید نجات شده است این که خداوند عالم ناخدائی
را بر حالت کشتی ملتفت ساخته است

از ذهن دقیق و از قدرت همت این ناخدای جوان بخت
چنان معلوم میشود که پروردگار رحیم این کشتی و اهل این کشتی را
بکلی مطرود نظر ترحم نساخته است

چون این ناخدای جوان بخت نجات بخشی بجهت تعیین مقصد
و ترتیب حرکات کشتی نقشه‌های متعدد لازم دارد لهذا
بنده که نیز چندی از ساکنین اقطار این دریا بوده‌ام نقشه اطراف

وطرح سیر سیاسی را بر چند اوراق به ترتیب کشیده‌ام

اگر هم نائمه این نقشه پولتیک منحصر باین باشد که نقطه یک نقطه

یا یه اصلاح حرکتی از برای کشتی بشود نتیجه نزدوره برای صاحب کشتی

یک نوع غنیمت و برای صاحب نقشه مایه صد قسم تفاخر خواهد بود

((در تحقیق عالم پولتیک))

اول نکته که موجب تاثر ما بشود این است که می‌بینیم یک جزیره

کوچک در کنار بحر محیط شمالی مردود طبیعت و خارج از ربع مسکون

بنظر میآید عظم ممالک آسیا را مسخر ساخته و بانجاز تدبیر

و نیروی بازوی جلادت تمام کره زمین را در حلقه استبدادی خود

درآورده اقطار وسیعه هندوستان و ممالک سایره را پایمال

جنگ ستیز و آویز کرده است از بنادر (ژاپون) تا بجنگلهای

(ینگی دنیا) و از بحر منجمد تا بصحرای (افریقا) نقطه نیست

که از هیبت اسم انگلیس در لرزش نباشد

در مقابل

در مقابل این استبدادی مهیب و طایفه حیرت انگیز می‌بینیم یک طایفه

دیگر بتحریک یک اراده قادر از جنگلهای وحشی و بیابانهای

غیر معمور خود پا بعرصه دول نهاده با استعداد مهیب و طرحی

وسیع از سمت شمال بقصد انهدام قدرت انگلیس و بعزم تسخیر

سلطنت عالم رو بممالک (هند) سرازیر شده است

عظمت این دو قدرت کره زمین را بنوعی فرا گرفته که هر یک از

از حوادث این عهد را بکاویم می‌بینیم یا ظهور حمله یکی بوده است

یا تدارک تدافع دیگری

تسخیر گرجستان جنگ چین انقلابات افغان تصرف سند

جنگهای سواحل قدنه هنگامه سواستپل حمله محمره

محاربه ایالات فارس جمیعا مظهر قصد و نتایج طرح هجوم این

دو قدرت مخالف بوده است

از هر گوشه عالم هر سمت زمین را که ملاحظه نمائیم هیچ خبری نخواهیم دید

که هیبت و تلاطم این دو سیل قدرت نمائی که رو بهمدیگر حمله دارند

از مشاهده این اوضاع

نکته که مایهٔ وحشت و موجب تعجب است این است که این دو سیل‌ها

پس از انهدام ممالک مصر و پس از خرابیهای وسیع از دو سمت

متقابل داخل ایران شده نزدیک است تمام ممالک ما را دهشته

فرو بگیرد

و با وصف مهابت این خطر عظیم اولیای دولت ما هنوز از قرب

هجوم این دو سیل هیچ اطلاع صحیحی ندارند و اگر هم برحسب اتفاق

بعضی اخبار را افواهی شنیده اخبار مزبور بعضی مبهم و به حدی تاریک

و بعید از خیالات شان بوده که تحقیق این مسئله را اصلاً مناسب

اعتنای خود نشمرده‌اند

ولی چون احتمال صدق آن درباره ایران از اعظم مقدمات

تا نهایت ذلت و از بقای دائمی تا انهدام فوری جمیع ماده

احتمالات

احتمالات مبدل اکثر را لازم دارد لهذا تحقیق این مسئله

در هر صورت خالی از فائده نخواهد بود

هرگاه هجوم سیل دو دولتی فرضی بی معنی است دولت ایران آسوده است

و اگر ترتیب این حادثه حقیقت دارد پس باید بی‌قیدی گذشته را

حماقت بشماریم و به جد در صدد کشف احتمالات این حادثه

برآئیم

عقلای ایران میگویند فردا را کسی ندیده است و بواسطه این

اعتقاد غفلت آور تحقیق اوضاع آینده را خارج از تکالیف دولت

می‌شمارند و حال آنکه باعتقاد حکمای فرنگ حکمرانی یعنی

تحقیق اوضاع آینده

در ایران بجهت تحقیق اوضاع آینده جز عقل بی ترتیب اسباب دیگری

نداریم ولیکن فرنگیها در این باب علاوه بر عقل کافی یک علم

وسیع عمیق عظیمی ترتیب داده که بواسطه آن علم کلیات حوادث آینده را

تشخیص بنمایند

حکمت دول فرنگ از تدریس علم برزر و غفلت دولت ایران از عدم
علم بر زور است هرگاه وزرای ما از این علم فرنگ فی الجمله اطلاعی
پیدا نکنند بالقطع بر مصائب آینده ایران که احفاد شان دوچار
بدبختی های بزرگ خواهند شد اشک خونین بریزند

در باب این علم دو کلمه لازم است بیان کنیم در ایام گذشته
طوایف و دول بزرگ بوده‌اند حال که تاریخ ایشان را می‌نگاریم
می‌بینیم هر یک از دول بزرگ شد وجود و حد عمر مخصوصی داشته
و کل ایشان از ترقی و تنزل خود شد عمر انسانی عوالم طفولیت
و جوانی و پیری را طی کرده‌اند

علاوه بر عمر مخصوص می‌بینیم دول بزرگ بر روی زمین یک کار
معینی و یک ماموریت مخصوص داشته‌اند و از بدو ظهور خود بحکم یک
قانون مخفی بی اختیار رو بمقصد مخصوص خود پیش رفته‌اند
و بعد

و بعد بحکم همان قانون مخفی بتدریج تنزل کرده از روی
زمین محو شده‌اند

علمای فرنگ در تحقیق عمر دول عوالم وسیعه طی کرده‌اند و چنانچه
اطبای ایشان دقایق روش عمر انسانی را تشخیص کرده‌اند حکمای
ایشان نیز اصول رشد و انحطاط عمر دول را از روی تحقیقات
دقیقه معین داشته‌اند

و بحکم این اصول مبرهن ساخته که فلان دولت بچه سبب ظهور کرد
و بچه قوه زنده بود و مقصود فلان قدرت چه بود و عمر فلان
شوکت بکجا منتهی شد

دول حالیه بلاتخلف کلاً مطیعاً قواعد ترقی و تنزل دول
گذشته می‌باشند و چنانکه اولیای علم طب بواسطه تشریح اموات
حالت و امراض زنده‌ها را تشخیص میکنند اولیای علم
دول نیز بواسطه تحقیقات اوضاع گذشته درجات عمر

و سرنوشت طوایف را معیّن و مخصوص میسازند و از روی علم قطعی

حکم می‌کنند که باعث بقای تمدن دولت چیست و حال

تمدن دولت بکجا رسیده و عاقبت تمدن شوکت چه خواهد

بود و شد

در نظر ارباب این علم درجات عمر روس و انگلیس بعینه مشخص است

که از مقتضیات باقی عمرشان هیچ تشکیکی ندارند و از روی بصیرت

علمی میدانند که این دو سیر مخالف موافق طرح طبیعت

حکماً پیش خواهند رفت و حتماً در وسط آسیا باهم تصادم

خواهند کرد

این حادثه عظمی را جمیع وزرا آن دیده‌اند و تمام شان ظهور این

حادثه بزرگ دنیا را از مقتضیات تقدیر الهی شمرده‌اند

«یکی از مفتشین در تفتیش اوضاع هند میگوید»

وضع طبیعی دولتین لازم ملّی و حرص جهان گیری و تقدیر آن

دول

دولت روس را حکماً بسمت (هند) خواهد کشانید

نکته ذیل را (پطرکبیر) بخلفای خود وصیت کرده است و آن

این است

باید دولت روس را در جنگ مدامی نگاه داشت و این نکته را

همیشه از مدّ نظر دور نکرد که تجارت هند تجارت کل دنیا است

هرکس این تجارت را بتصرّف بیاورد مالک مطلق فرنگ است

«یکی از علمای مشهور فرنگ»

که مدتها در خدمت دولت انگلیس مشغول تحقیق اوضاع هند بوده

درین باب کتاب بسیار مشهوری نوشته است

خواهش روس از وقت (پطرکبیر) تا امروز دقیقه از خیال هند

خارج نبوده است و ممکن نیست ازین خیال صرف نظر کند

تسخیر هند نه تنها حق روس است بلکه اجرای این مقصود

بر ذمّه آن دولت مقدّس است زیرا که این تکلیف ذمّی در سرنوشت وضع

طبیعی ملک روس است

«یک مورخ معروف میگوید»

قضای طبیعی دولت روس را بحکم تقدیر کشان کشان رو بممالک
آسیا می برد

«و نیز در جای دیگر میگوید»

نکته که بر ما تحقیق آن لازم است این است که با وصف حوادث فرنگ
دولت روس در سمت آسیا روز بروز پیش رفته است
ازین راهی که در آسیا طی کرده است میتوان تا حد هندستان و ایران
حکم کرد که عنقریب بمقصد خود خواهد رسید

«یکی از اصحاب پولتیک انگلیس میگوید»

آن دولتی که امروز در صدد آن است که عالم را زیر و زبر کند
دولت روس است آن دولتی که میخواهد دول عالم را منهدم بکند
دولت روس است در دشت تاتارستان در شرق و غرب

دریای

دریای (خزر) در شمال و جنوب دریای سیاه همه جا دولت
روس را مدعی چابک خوشسمت خود می بینیم

«یکی از سفرای دولت روس میگوید»

گرفتن (خیوه) برای ما ناگزیر است هرگاه ما خیوه را بگیریم
ایالات وسط آسیا کاملاً مطیع اقتدار و منقاد قدرت ما خواهند
بود و بواسطه افتتاح راه تجارت هند در روس تمام ایالات
آسیا شرقی بخاک روس جاری خواهد شد و طرح پطر کبیر
باقی دلخواه معمول خواهد گشت

خلاصه هرگاه خیوه را بگیریم ارکان تجارت انگلیس را که مایهٔ استیلای
بحری آن دولت است به تزلزل خواهیم آورد

(یک حکیم فرنگی میگوید)

هند بدبخت در خطر است ولیکن دولت انگلیس نمیتواند
خطرات هند را در (پنجاب) و در (دهلی) دفع کند

این خطرات بزرگ که بسر هند جمع شده اند هرگاه چاره پذیر باشد

در پطرزبورغ و در لندن باید کرد و گرنه در هند نمیشود

یک حکیم دیگر می گوید

دولت روس تا امروز دولت عسکریه بوده است و بعد از این هم

چنین خواهد بود دولت روس همیشه جنگ را لازم دارد

و اگر دولت انگلیس بهانه بدست بدهد دولت روس تمام

آسیا را به تزلزل خواهد در آورد

یکی از سفرای مشهور انگلیس می گوید

ای انگلیسیها ببینید دولت روس روز بروز چه طور نزدیک

میشود و چه طور مثل امواج بحری شما را احاطه میکند

دولت روس متصل پیش میاید با اینکه در ظاهر حرکت نمیکند

و نزدیک است بیفتد بر آن خزاینی که هم فخر شما و هم بقای شما

بسته با نهاست هرگاه جلو در نکشید بتمام تسدید راه روس

را بکنید

بر نخیزید یقین بدانید که وقت استیلای روس رسیده است

(بیست سال قبل از این)

فرمان فرمای هند به دولت خود رسماً نوشته بود که پس از

این دلایل واضحه که بدست آورده ام هیچ جای شک نیست

که دولت روس در صدد این است که راه رخنه و اسباب استیلای

خود را تا به سرحدات هند وسعت بدهد

باز یک مورخ مشهور میگوید

دولت روس علی الاتصال در کوشش است که راه رخنه خود را

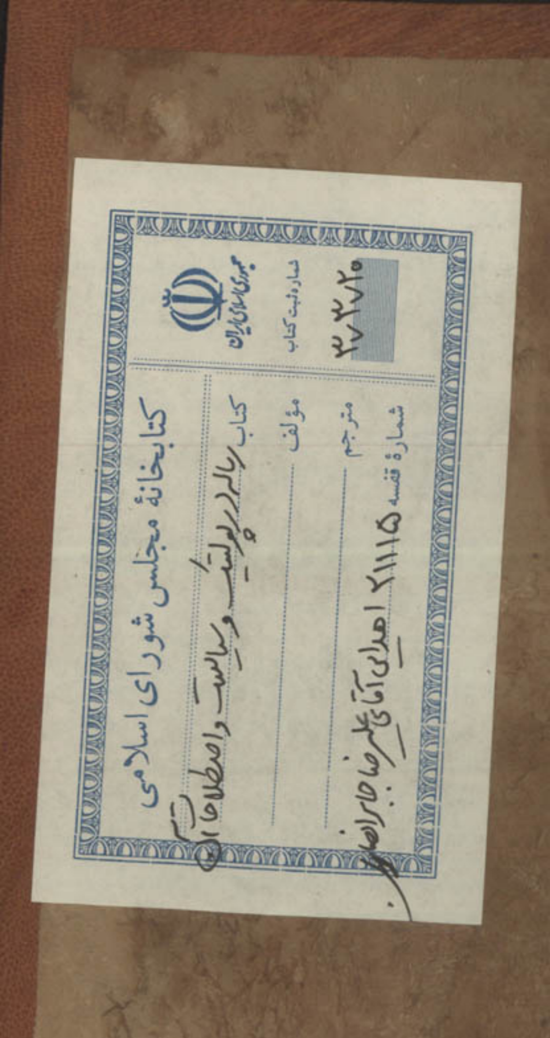
در ممالک آسیا باز نماید و از آن طرف دولت انگلیس نیز شب و روز

در اجتهاد است این خیال دولت روس است این دو دولت

از طرفین رو بهم میروند و هیچ شکی نیست که عنقریب مرکز

آسیا محل جدال عسکری و تجارتی این دو دولت خواهد بود

و برای هیچ دانا جای اشتباه نیست



یک مورّخ دیگر می‌گوید

مرور ایام مسائل زیاده از بیان برده است امّا مسئله شرق
باقی است و هر روز بزرگتر میشود بعد از این خیالات بزرگ
و اقتدارهای عظیم و طرحهای جسیم و کلّ حواس عالم بر دور
این مسئله جمع خواهد شد از یک طرف دولت روس بجهة
اجرای طرحهای بزرگ نهایت استعداد را بهم رسانیده است
و از طرف دیگر دولت انگلیس با کمال اضطراب در دفع خیال
روس است تا ببینیم مدّعی گری این دو دولت کی و چه طور
تمام خواهد شد ببینید این عرصه هیبت افزای جدال
عقلی و عسکری که از سرحدّ چین تا دریای سفید میان
دو طایفه مدّعی توسیع یافته است دولت انگلیس بجهة دفع حمله
روس از قعر عالم تا بوجدا همه جا هنگامه رزم را ساز کرده است
ببینید این دو طایفه بزرگ لشکرهای خود را بچه تدبیر ترتیب داده اند

و بچه جسارت [illegible]

